

لزوم تصحیح دوباره‌ی غزلیات شمس

محمدیوسف تیری* الهام خلیلی جهرمی** شیرین رزمجو بختیاری***
دانشگاه شیراز

چکیده

تصحیح متون کهن همواره مورد توجه ادب‌دوستانی بوده که دغدغه‌شان فراهم کردن متنی منقح و نزدیک به گفتار مؤلف است. یکی از متون بحث‌برانگیز از لحاظ تصحیح، کلیات شمس تبریزی از جلال‌الدین محمد مولوی است. این اثر سترگ به دلیل حجم گسترده‌ی آن و مشوش بودن نسخ موجود از آن، هنوز متن کاملاً قابل اعتمادی از نظر تصحیح ندارد. در سال ۱۳۳۶-۱۳۴۴ به وسیله‌ی مولوی شناس گران‌قدر، استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، به شکل انتقادی تصحیح شده و همواره مورد بحث پژوهشگران مختلف، قرار گرفته است. و سپس بار دیگر در سال ۱۳۸۶ توسط استاد توفیق سبحانی تصحیح شده است. در این پژوهش، تحت عنوان‌های زیر، برآنیم که لزوم تصحیح دوباره‌ی غزلیات شمس و نقد تصحیح‌های موجود را مورد بررسی قرار دهیم و آرای بزرگان ادب را در این مورد برشماریم؛ این عناوین عبارتند از: ۱. مقدمه و پیشینه‌ی تصحیح غزلیات شمس؛ ۲. تصحیح استاد فروزانفر و نقد آن؛ ۳. تصحیح استاد توفیق سبحانی و نقد آن؛ ۴. نکاتی درباره‌ی دیوان مصحح استادان فروزانفر و توفیق سبحانی.

واژه‌های کلیدی: غزلیات شمس، مولوی، نسخ خطی دیوان شمس، توفیق سبحانی، فروزانفر.

۱. مقدمه و پیشینه‌ی تصحیح غزلیات شمس

یکی از متن‌هایی که به کرات در پژوهش‌های مختلف از آن استفاده می‌شود، کلیات شمس با تصحیحات و حواشی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر است. در مقدمه‌ی این کتاب، پیشینه‌ی تصحیح غزلیات شمس به قلم استاد فروزانفر و نحوه‌ی آشنایی ایشان با مولانا،

* استاد زبان و ادبیات فارسی mynayeri@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (ادبیات عرفانی) khalilijahromi115@yahoo.com (نویسنده مسئول)

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (ادبیات عرفانی) shirin.razmjoo@gmail.com

به شیرینی تبیین شده‌است. ایشان با نثری دلچسب و جذاب، در مقدمه‌ی جزو اول کلیات شمس، آورده‌اند: «نخستین بار که گوش نگارنده به آهنگ ملکوتی غزلیات مولانا آشنا گردید، در یکی از روزهای زمستانی ۱۳۳۸ قمری بود. نسخه‌ی مطبوع دیوان مولانا در مشهد و به خصوص نزد طلاب، شهرت نداشت و در دسترس عوام نبود... [تا این‌که] دوره‌ی کامل مجمع‌الفصحا، تالیف مرحوم رضاقلی‌خان هدایت [را تهیه کرد] که در مجلد اول آن قسمتی از دیوان مولانا به صورت انتخاب و در ذیل شرح حال شمس‌الدین تبریزی، درج شده‌است و بدین وسیله، توانست عده‌ی معتابیهی از غزلیات را بخواند... و فحص بلیغ کرد که دیوان چاپ لکنهو را پیدا کند؛ لیکن بر آن نسخه دست نیافت... باری به شوق فراوان به تفحص پرداخت تا نسخه‌ی کلیات شمس را نزد کتاب‌فروشی پیدا کرد... و خرید؛ تا این‌که در سال ۱۳۱۲ که طرح رساله‌ی «شرح حال مولانا» را می‌ریخت بر آن شد که دیوان را با نظر امعان و دقت، در مطالعه گیرد و شش ماه شمرده در این کار، صرف کرد و به وقت مطالعه، هر غزل را که دور از روش و مشرب صافی تصوّف و فقر مولانا می‌شناخت به علامتی مشخص می‌نمود و بار دیگر در زمستان ۱۳۱۳ از آغاز تا پایان کتاب را به نظر مقایسه مطالعه کرد و در نتیجه پی‌برد که نسخه‌ی دیوان چاپ لکنهو که مدار کار فضلالی ایران بوده و هنوز هم هست، ارزش چندانی ندارد و در اشعار اصلی، حذف و اضافات ناروا راه یافته و عده‌ی بسیاری از غزلیات دیگران در ضمن اشعار اصلی آمده‌است.» (فروزانفر، ۱۳۹۰: الف و ب)

استاد فروزانفر در ادامه‌ی این مطلب، مشکلاتی را که در حین پیدا کردن نسخه‌ها با آن مواجه شده‌اند، یادآور می‌شوند و در نهایت، وقتی که نسخه‌ها به دستشان می‌رسد، کھولت سن بر ایشان چنان غلبه کرده است که از دو نفر به نام آقایان امیرحسین یزدگردی و حسین کریمان، برای این کار کمک می‌گیرند. (همان: ه)

مقدمه جلال‌الدین همایی بر کلیات شمس به اهتمام منصور مشفق نیز حایز نکات ارزشمندی درباره‌ی پیشینه‌ی تصحیح دیوان کبیر است. منصور مشفق، گزیده‌ای از غزلیات مولانا دارد که آن را از روی چاپ هند تهیه کرده‌است. جلال‌الدین همایی در مقدمه‌ای که بر این گزیده نوشته‌است، به این مطلب اشاره می‌کند که دیوان کبیر چاپ هند، اشعاری از دیگر شاعران را نیز داراست. به غزل‌های الحاقی با تخلص خاموش یا خاموش، سروده‌ی سلطان ولد، فرزند مولانا، اشاره می‌کند که به سبک و سیاق پدر خود، غزل‌هایی را استقبال کرده و اتفاقاً در آخر پاره‌ای از آن‌ها، کلمه‌ی خاموش را نیز به همان شیوه‌ی مولوی، به کار برده است. (مولوی، ۱۳۷۴: ۷۹)

کتابنامه مولوی از ماندانا صدیق بهزادی نیز درباره‌ی نسخ دیوان کبیر، اطلاعات ارزشمندی دارد. (از صفحه‌ی ۵۲۶ تا ۵۵۴) وی در این اثر با بررسی فهرست‌های گوناگون، نسخ خطی آثار مولانا را معرفی کرده است؛ اما در بعضی موارد که نسخه‌ها یکی بوده و به شیوه‌های گوناگون، توصیف شده‌اند، اشاره‌ای به یکسانی نسخ نکرده است و نگاهی انتقادی به این فهرست‌ها نداشته و به نقل قول صرف، بسنده کرده است؛ چرا که در اثنای معرفی نسخ، گاه با اطلاعات مغلوطنی مواجه می‌شویم که نه تنها راه‌گشا نیست، بلکه گمراه‌کننده است. ناگفته نماند که آگاهی از صحت و سقم این اطلاعات، تنها با بررسی تک‌تک این نسخ امکان‌پذیر است؛ با این حال از نظر اشتغال بر اطلاعات چندین فهرست به صورت یک‌جا، کار مفیدی است.

۱.۱. نسخه‌های عکسی غزلیات شمس

علاوه بر تصحیح و کارهای پژوهشی‌ای که بر روی غزلیات شمس انجام گرفته است، باید به چاپ کتاب‌هایی اشاره کرد که نسخ قدیمی را برای محفوظ ماندن، به صورت عکسی چاپ کرده‌اند. استاد توفیق سبجانی نسخه‌ی مورخ ۷۷۰ را که از نظر تزیینات، نسخه‌ی قابل توجهی است، به صورت عکسی چاپ کرده است و سپس همین نسخه را به صورت حروف‌چینی در هیأت کتاب چاپی نیز در آورده و تعلیقاتی نیز بر آن نوشته است. در مورد این دو کتاب، بعد از این مطلب، توضیحات بیشتری خواهد آمد. نسخه‌ی دیگری نیز در کتابخانه‌ی ملی تبریز موجود است که استاد فروزانفر آن را «نسخه نخجوانی» می‌خوانند و این نسخه نیز در حال حاضر به همّت جمشید علیزاده، طی تفاهم‌نامه‌ای که با شهرداری تبریز امضا کرده، به صورت عکسی در حال چاپ است. کتابخانه‌ی ملی تبریز که گنجینه‌ی نفیسی از نسخ خطی را داراست، این نسخه را به دلیل آن‌که در حال چاپ شدن به صورت فاکس‌میمیله (= عکسی) است، در اختیار پژوهشگران قرار نمی‌دهد. استاد شفیع کدکنی این نسخه‌ی عکسی را برای تصحیح دیوان شمس در اختیار ما قرار دادند. پس از بررسی آن، به نتایجی دست یافتیم که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱.۲. گزیده‌های غزلیات شمس تبریزی

گزیده‌های فراوانی از کلیات شمس تبریزی تهیه شده است که ذکر تمام آن‌ها برای نگارندگان ممکن نیست؛ همچنین خارج از بحث این مقاله است؛ لذا در این جا به

گزیده‌هایی اشاره خواهد شد که در سیر تحول و تکامل مولوی‌خوانی و غزل‌خوانی ادب‌دوستان این مرز و بوم، تأثیر چشم‌گیری داشته‌است و نکات ارزشمندی درباره‌ی تصحیح انتقادی غزلیات شمس به دست می‌دهد.

استاد محمدرضا شفیعی کدکنی، در سال ۱۳۴۲ گزیده‌ای از غزلیات شمس، را تهیه کرده تعلیقات مختصری نیز بر آن نوشته‌است. این گزیده را انتشارات علمی- فرهنگی، چاپ کرده و مکرر در سال‌های متمادی چاپ شده‌است. شفیعی کدکنی ۴۶۶ غزل را در بخش نخست کتاب که در واقع متن اصلی کتاب است، به عنوان گزیده‌ی غزل‌های مولانا آورده‌است و در ادامه، ۶ غزل مشهور دیده‌می‌شود که تحت عنوان غزل‌های منسوب به مولانا آورده شده‌اند.

در مقدمه‌ی این گزیده درباره‌ی سابقه‌ی تصحیح انتقادی غزلیات شمس چنین آمده‌است: «بر طبق آماري که از کتاب گران‌قدر فهرست نسخه‌های خطی، تألیف احمد منزوی به دست می‌آید، از قرن هفتم تا قرن چهاردهم هجری قمری ۳۷۲ جلد مثنوی کتابت شده، در صورتی که این رقم در مورد دیوان کبیر، از ۷۴ تجاوز نکرده‌است. بر طبق همین فهرست، از کلیات و دیوان سعدی ۲۷۷ نسخه وجود دارد. آنچه مؤید این معنی است آن‌که شهرت این غزلیات در صد ساله‌ی اخیر، پس از نشر چندین منتخب از غزلیات شمس محسوساً افزایش یافته‌است. مرحوم استاد بدیع‌الزمان فروزانفر با توجه به همین نکته در سخنرانی جشن هفتصدمین سال تولد مولانا پیشنهاد کرد که از دیوان کبیر چندین منتخب به صور گوناگون تهیه شود تا هرکس بر وفق ذوق و سلیقه‌ی خویش از آن‌ها بهره‌مند گردد. تا آن‌جا که اطلاع دارم، نخستین کسی که به فکر انتخاب دیوان کبیر افتاده رضاعلی‌خان هدایت است که منتخبی به نام شمس الحقایق فراهم آورده که به خط عسکر اردوبادی، در سال ۱۲۸۰هـ.ق به چاپ سنگی رسیده‌است. از آن پس نیز منتخب‌های دیگری با ملاک‌ها و معیارهای خاص، فراهم آمده و نشر گردیده که چون اساس کار نسخه‌های جدید چاپ هند بوده در آن‌ها اشعاری از گویندگان دیگر - شمس طبری، شمس مغربی، سیف فرغانی، فضل‌الله حروفی استرآبادی و بسیاری از درویش سلسله‌ی مولویه - که بر اثر تتبع و ممارست در شعر مولانا استعداد تقلید اسلوبی او را یافته بودند دیده می‌شود. ضبط اشعار خود مولانا در این منتخبات نیز چون بر همان اساس سقیم است، به هیچ‌وجه مطمئن نیست و نادرستی‌های فراوان در آن راه یافته‌است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: بیست و هشت و بیست و نه)

شفیعی کدکنی در مقدمه‌ی این گزیده، طی یک پاورقی، پس از معرفی تصحیح انتقادی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر به عنوان نخستین اقدام برای تصحیح دیوان کبیر بر

اساس قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود در عالم، یادآوری می‌کند: «به علل بسیاری، هنوز جای چاپ انتقادی دیگری از دیوان شمس هم‌چنان خالی است.» (همان، ۱۳۸۵: بیست و نه)

دومین گزیده‌ی غزلیات شمس شفیع‌ی کدکنی تقریباً حدود چهل سال بعد از گزیده‌ی نخست، از سوی انتشارات سخن به چاپ رسید، در دو جلد چاپ شد و شامل ۱۰۷۵ غزل و ۲۵۶ رباعی است. این گزیده دارای مقدمه‌ی مبسوطی درباره‌ی مولوی، شیوه‌ی بیان او و تصحیح غزلیات شمس است. استاد شفیع‌ی کدکنی در این کتاب، غزل‌ها را بر اساس چاپ استاد فروزانفر آورده‌اند؛ اما گاه در آن‌ها تصحیحاتی نیز انجام داده‌اند و گاه در حواشی رباعی یا غزل، یادآور شده‌اند که این شعر از مولانا نیست. وی در توضیح این مطلب، در مقدمه می‌آورد: «ممکن است کسانی بگویند وقتی شعری مسلماً سروده‌ی شخص دیگری است، چرا باید در این کتاب بیاید؟ پاسخ ما این است که آنچه بین الدفتین چاپ استاد فروزانفر بوده‌است، در تعریف ما، دیوان کبیر مولانا است نمی‌خواهیم که در ساختار آن کتاب به تشکیک پردازیم. اگر قرار شود که چنین نقدی عملاً بر آن چاپ وارد شود، شاید ۲۵٪ غزل‌ها حذف شود؛ زیرا به دلایل سبک‌شناسی و قراین نسخه‌شناسی، این امر اجمالاً مسلم است.» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۳۹)

در جای دیگر همین کتاب، شفیع‌ی کدکنی همان‌طور که ۴۰ سال پیش در چاپ نخست گزیده‌ی غزلیات شمس به لزوم تصحیح دوباره‌ی آن اشاره کرده بود، در این کتاب نیز دوباره یادآور می‌شود: «با این‌که دیوان کبیر چاپ استاد فروزانفر بر دست بزرگ‌ترین مولوی‌شناس قرون و اعصار، فراهم آمده‌است هنوز هم خالی از اشکال‌ها و نقص‌هایی نیست. اجمالاً می‌توان گفت که در این دیوان، هنوز هم حجم قابل‌ملاحظه‌ای از شعر دیگران وجود دارد که کار را بر هر پژوهنده‌ای دشوار می‌کند. دیگر این‌که استاد به جای اتکا بر اقدم نسخه‌ها، بیش‌ترین بهره را از نسخه‌ای برده‌است که قریب یک قرن بعد از وفات مولانا کتابت شده‌بوده‌است و از آن‌جا که نسخه‌ای «جامع» و «خوش خط» بوده‌است، همان را اساس کار خود قرار داده‌است؛ در صورتی که قواعد جهانی تصحیح متن، در این‌گونه موارد، چنین ایجاب می‌کند که از نسخه‌های کهن‌تری که حجم کم‌تری دارند، به عنوان پایه و اساس کار استفاده شود. به همین دلیل، در کنار شعرهای دخیلی که از دیگران در چاپ استاد فروزانفر وارد شده‌است، در آن‌چه عین گفتار مولانا بوده نیز ضبط‌ها در مواردی اصیل و درست نمی‌نماید.» (همان: ۴۴-۴۵)

۲. تصحیح استاد فروزانفر و نقد آن

در حال حاضر جامع‌ترین تصحیح موجود از دیوان مولانا، تصحیح استاد بدیع‌الزمان فروزانفر است. این تصحیح که در ده مجلد تنظیم شده است، مشتمل بر غزلیات، قصائد، مقطعات فارسی و عربی، ترجیعات و ملامعات مولانا جلال‌الدین محمد، مشهور به مولوی است. تعداد غزلیات - که موضوع تحقیق این مقاله است - ۳۲۲۹ غزل، معادل ۳۴۶۶۲ بیت است. فرهنگ نوادر و لغات و تعبیرات و مصطلحات دیوان کبیر نیز در میانه‌ی مجلد هفتم آمده است. استاد فروزانفر، آن‌گونه که در مقدمه‌ی جلد اول و چهارم دیوان، شرح می‌دهد برای تصحیح دیوان کبیر مولانا چهارده نسخه پیش روی داشته است که تنها ده نسخه را مبنای تصحیح خود قرار داده است. از این میان، نه نسخه - از شماره‌ی یک تا نه - در مقدمه‌ی جلد اول صفحات «و» تا «یج» معرفی شده است و نسخه‌ی دهم در مقدمه‌ی جلد چهارم وصف شده که از همان مجلد به بعد در کار تصحیح دخالت داده شده، همچنین نسخه‌ای در مقدمه‌ی جلد دوم نیز توصیف شده است که مصحح «به سبب تازگی نسخه در مقابله و تصحیح دیوان از آن استفاده نکرد» است، مگر در ترجیح بعضی از نسخ اساس بر یک دیگر، آن‌هم در چند مورد شمرده و معدود.» (مولوی، مقدمه‌ی فروزانفر، ۱۳۶۳، ج ۲: الف) در این جا ناگزیریم به معرفی‌ی اجمالی این نسخ بر اساس مقدمه‌ی استاد بپردازیم؛ مختصات این نسخ در جدول زیر نمایش داده شده است:

ردیف	رمزها	محل نگهداری	خط	تاریخ تقریبه	تاریخ تقریبی	تعداد برگ	تعداد ابیات	توضیحات استاد فروزانفر
۱	عد	کتابخانه اسعدافندی در سلیمانیه	نسخ	-	ربیع آخر ۷ و اوایل ۸	۳۴۸	۱۰۳۷۲	از روی نسخ دست اول استنساخ شده، افتادگی دارد ^۱
۲	قو	موزه‌ی قونیه	نسخ	-	اواخر ۷	۲۵۲	۱۰۸۱۰	از روی نسخ دست اول استنساخ شده
۳	چت	کتابخانه چستر بییتی	نسخ	-	قرن ۷	۳۵۹	۳۸۱۲۴	در خور اعتماد است
۴	مق	موزه‌ی قونیه	نسخ	-	تا ربیع اول ۸	۵۲۴	۳۰۵۳۵	-
۵	خب	کتابخانه بلدیه استانبول	نسخ	۷۲۳	-	۳۰۰	۶۶۰	منتخبی از دیوان
۶	قح	کتابخانه	نسخ	۷۲۷	-	۲۰۲	۵۸۷۶	کاتبش با نسخه‌ی

						گدک احمدپاشا		
۷	فح (قص)	کتابخانه گدک احمدپاشا	نسخ	۴۷۳۰	-	۲۷۸	۱۰۷۳۷	از قافیه‌ی راه تا نون
۸	خج	کتابخانه نخجوانی	نسخ	-	تا اوایل ۸	-	-	قافیه واو و هاء و یاء
۹	فد	موزه‌ی قونیه	نسخ	۷۷۰	-	۳۲۵	۴۰۳۸۰	نسخه‌ی اساس
۱۰	عل	کتابخانه حسن عالی بک یوجل	نسخ	-	نیمه اول ۸	۴۱۴	۱۲۹۲۷	در مقدمه‌ی جلد ۴ معرفی شده است.
۱۱	ین	کتابخانه ملی وین	نستعلیق	۸۴۵	-	۳۸۸	۳۵۲۰۷	در مقدمه‌ی جلد ۲ آمده

از مقدمه‌ی استاد برمی‌آید که وی از سال ۱۳۳۸ قمری (حدود ۱۲۹۶ شمسی) که اول بار غزلی را از مولانا از زبان استاد خود، ادیب نیشابوری، شنیده تا سال ۱۳۳۹ شمسی که تصحیح دیوان را به انجام رسانیده، دائماً تمام هم و غم خویش را در جهت عرضه‌ی مطلوب این اثر گران‌قدر، مصروف داشته است. به جرأت می‌توان گفت که حدود نیم قرن، بر سر این کار بوده؛ هرچند آثار ارزنده‌ی دیگری نیز بر جای گذاشته که همگی حاکی از شیفتگی بسیار آن بزرگ‌مرد به مولانا جلال‌الدین محمد رومی بوده است. هر اندازه در ستودن قدر آن بدیع زمان خویش برای شناختن و شناساندن آثار حضرت مولانا قلم بزنیم، کم گفته‌ایم؛ اما باید به یاد داشت که لزوم بازنگری یکی از آثار مصحح آن بزرگوار از قدر و منزلت و شایستگی وی در انجام این کار نخواهد کاست.

تهیه‌ی نسخ خطی، آن‌گونه که از مقدمه‌ی استاد برمی‌آید و هنوز نیز چنین است، کار بسیار دشواری است.^۵ با این وجود، وی ده نسخه را در تصحیح دیوان مولانا به کار گرفته است. پیش از این وصف مختصری از این نسخ به دست داده شد. بر اساس فهرست توصیفی استاد فروزانفر - که در مقدمه‌ی جلد اول دیوان کبیر آمده - می‌توان دریافت که وی نسخه‌ی «فد» یعنی نسخه‌ی قونیه مورخ ۷۷۰ را به دلیل این که «کامل‌ترین نسخ است و عده‌ی اشعار آن از همه پیش‌تر، در استتساخ مبنای کار» (مولوی، مقدمه‌ی فروزانفر، ۱۳۶۳: ۱۳۶۳) قرار داده است. بنابراین اساس کار، حجیم‌ترین نسخه است، نه معتبرترین آن؛ هرچند وی بارها در مقدمه متذکر می‌شود که سه نسخه‌ی «عد»، «فح» و «قو» از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند و در موارد لزوم، ضبط آن‌ها

بر نسخه‌ی اساس، ترجیح داده شده است، متأسفانه در ضبط تعداد غزل‌ها و ابیات، پر حجم‌ترین نسخه انتخاب شده است.
دیوان کبیر مصحح استاد فروزانفر را می‌توان به لحاظ استفاده‌ی استاد از نسخه‌های موجود و در دسترس وی و نحوه‌ی تصحیح مورد نقد و بررسی قرار داد.

۲. ۱. نقد استاد مینوی بر تصحیح استاد فروزانفر

پیش از همه، استاد مجتبی مینوی در مقاله‌ی «لزوم اهتمام در چاپ کردن کتاب مولانا به طریق تصحیح انتقادی»، دیوان مصحح فروزانفر را در ترازوی انتقاد گذاشته است.
یکی از ایرادهایی که استاد فروزانفر در مقدمه‌ی خود، بر دیوان چاپ لکنهو وارد می‌کند این است که «در اشعار اصلی، حذف و اضافات ناروا راه یافته و عده‌ی بسیاری از غزلیات دیگران در ضمن اشعار اصلی آمده است»، (همان: ب) بنابراین در حین مطالعه‌ی این چاپ در سال ۱۳۱۲ «هر غزلی را که دور از مشرب صافی تصوف و فقر مولانا می‌شناخت، به علامتی مشخص می‌نمود.» (همان: ب) بنابراین استاد کاملاً بر این امر وقوف داشته است که در دیوان مولانا، اشعار دخیل بسیاری وارد شده است؛ همان نظری که مینوی نیز بر آن است: «فرزند مولانا، سلطان ولد، عده‌ی بسیار زیادی غزل به سبک غزل‌های مولوی گفته است که به صورت دیوان بزرگی چاپ شده است. مقداری از غزل‌های سلطان ولد هم نظیره‌هایی دارد که به استقبال غزل‌های والد خود ساخته بوده است. این شیوه‌ی غزل‌سازی به روال غزل‌های مولانا در سرزمین روم در میان درویش‌های مولوی و اولاد و احفاد مولانا متداول شده بود و دو برابر دیوان غزلیاتی که از مولوی مانده است (دیوان کبیر یا دیوان شمس تبریزی) غزلیاتی است که دیگران ساخته و در آن‌ها به شیوه‌ی مولوی، نام شمس تبریزی را گنجانده‌اند.» (مینوی، ۱۳۸۱: ۹۲)

بر این اساس، هر دو بزرگوار اذعان دارند که غزل‌های بسیاری از دیگران، وارد دیوان مولانا و به نام او شده است. این کار در تاریخ ادب فارسی، بی‌سابقه نیست؛ چرا که بسیاری از افراد ناشناخته، بدین وسیله آثار خود را زنده نگاه می‌داشته‌اند و یا گاه کاتبان بی‌اطلاع به دلیل نزدیکی اشعار، شعری را در دیوانی می‌گنجانیده‌اند. در بعضی موارد نیز خود کاتبان به طبع آزمایی می‌پرداختند و اشعاری بر نظم و نسق دیوانی که کتابت می‌کرده‌اند، می‌سرودند و بدان می‌افزودند. بنابراین سرنوشت چنین غزل‌هایی تنها با تصحیح مجدد و علمی دیوان شمس تعیین خواهد شد.

استاد مینوی در ادامه، طریقه‌ی دست‌یابی استاد فروزانفر را به نسخ، شرح می‌دهد و کار او را چنین نقد می‌کند: «مرحوم فروزانفر، وقتی که در صدد چاپ کردن دیوان شمس تبریزی برآمد، از مردی موسوم به فریدون نافذ اوزلق که مدیر مؤسسه‌ی تاریخ طب در دانشگاه انقره است، خواهش کرد عکس نسخه‌ای را برای او بفرستد. فریدون نافذ عکس بزرگ‌ترین مجموعه‌ای از این غزلیات را که می‌توانست بیابد، گرفته فرستاد [یعنی همان نسخه‌ی «فذ»]. دو نفر از دوستان ما، آقایان امیرحسن یزدگردی و حسین کریمان، از روی آن نسخه‌ی غزل‌ها را نوشتند و حاضر کردند تا مقابله و تصحیح شود. در این ضمن، بنده عکس سه نسخه‌ی بسیار معتبر از دیوان شمس از سه کتابخانه‌ی ترکیه فراهم آورده به طهران فرستادم. نسخه‌ای از قونیه، نسخه‌ای از افیون قره‌حصار و نسخه‌ای از کتابخانه‌ی اسعد افندی از استانبول. دو ثلث از غزل‌هایی که در نسخه‌ی عکسی فریدون نافذ بود، در این سه نسخه اصلاً نیست. رمز این سه نسخه در چاپ مرحوم فروزانفر، قو، قح و عد است و اگر در مجلدات ده‌گانه‌ی این کتاب نظر بیندازید و مأخذ غزل‌ها را که در حاشیه‌ی پای صفحه ذکر کرده است بخوانید، خواهید دید که بیش‌تر غزل‌های مندرج در این دیوان کبیر را قو، قح و عد ندارد. یعنی که از مولانا نیست؛ به دلیل این‌که سه نسخه‌ی معتبر قدیم آن‌ها را ندارد. ترجمه‌ای که آقای گلپینارلی از غزلیات مولانا به ترکی کرده است، از روی نسخه‌ی اسعد افندی بوده و بنابراین در آن ترجمه هم دو ثلث این غزل‌ها نیست. نسخه‌ی چستربیتی که یکی دیگر از مأخذ مرحوم فروزانفر بوده است نیز از همان نسخه‌های «اوعی و اجمع» بوده و بنابراین دارای مبلغ زیادی غزل‌های الحاقی مردود و مشکوک فیه است. مرحوم فروزانفر چون آن‌همه غزل را از روی آن نسخه‌ی اولی که به دستش رسیده بوده است، توسط آقایان یزدگردی و کریمان نویسانیده بوده، دیگر نخواسته است از آن‌ها چشم‌پوشد؛ آن‌ها را با نسخه‌های دیگر مقابله کرده و مأخذ آن‌ها را در حواشی ذکر کرده است که باز همین کار لااقل این فایده را دارد که از روی آن، ما بدانیم کدام غزل‌ها مورد شک و تردید یا به کلی مردود است.» (همان: ۹۲ و ۹۳)

این نظر مینوی، ناظر بر این است که او اعتقاد دارد، تنها ثلثی از دیوان مصحح فروزانفر از آن مولاناست و نه بیش‌تر. البته این نظر با توجه به یافته‌های جدید، قابل نقد است.

۲.۲. نقد ویلی بر استاد مینوی

محمدعیسی ویلی، مسوؤل بخش نسخه‌های خطی فارسی و ترکی کتابخانه‌ی بریتانیا - لندن، که ترجیع‌بندهای دیوان مولانا را بر اساس ۱۵ نسخه، تصحیح نموده است، طی مقاله‌ای با عنوان «ترجیعات مولانا و نسخه‌های دیوان مولانا» دو پرسش درباره‌ی دیوان

مولانا مطرح می‌کند؛ اول آن‌که آیا می‌توان سراسر دیوان را اثر خالص مولانا دانست؟ و دوم این‌که چرا اختلاف میان شعرهای نسخه‌های خطی پیشینه‌تر این‌همه زیاد است؟ (ویلی، به نقل افشار، ۱۳۷۶: ۷۱۱) وی برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها عواملی چون «جریانی که توسط آن شعرهای غنایی مولانا نگاشته و ثبت شده است؛ تاریخ و شماره‌های نسخه‌های خطی موجود؛ ویژگی کهن‌ترین این نسخه‌ها و ارتباط‌هایی که بین آن‌ها هست و شیوه‌ی انشایی و ویژگی‌های زبانی شعر مولانا» (همان: ۷۱۱) را مؤثر می‌داند. وی معتقد است که برخی از مریدان خاص، مسوؤل ثبت و ضبط سخنان او بوده‌اند و به آنان «کاتب‌الاسرار» می‌گفته‌اند. افلاکی این لقب را به دو درویش می‌دهد که خودش هم آنان را «یار ربّانی» می‌نامد؛ همان‌هایی که غزل‌های مولانا را نیز ثبت می‌کرده‌اند. (همان: ۷۱۲)

«کار کاتبان این بود که سخنان جلال‌الدین را در هنگام سخن گفتن‌هایش، می‌نگاشتند. بدین‌سان این احتمال وجود داشت که سخنانی را که از دیگران نقل می‌کرد، به عنوان سخنان خودش بنویسند. بعدها شعرهایش را در دیوانی، مدون ساختند. در میان کهن‌ترین نسخه‌های خطی، برخی شعرها نخست بر طبق وزن‌شان و برخی دیگر به شیوه‌ی مرسوم با ترتیب الفبایی بر طبق حرف قافیه، انتظام یافتند. اما تعیین دقیق این‌که چگونه و در چه زمانی این تنظیم و تدوین صورت گرفته است، ناممکن است. هیچ نسخه‌ای از دیوان که مربوط به زمان زندگانی سراینده باشد، شناخته شده نیست. هیچ‌یک از نسخه‌های موجود را نمی‌توان به عنوان نسخه‌ی اصلی، تعیین هویت کرد و تنها نسخه‌ی اصلی و مأخذ برای متن دانست. همچنین مدرک مطمئنی درباره‌ی وجود نسخه‌ای از دیوان کبیر مربوط به پیش از سال ۷۰۳ یعنی مربوط به حدود سی سال پس از مرگ مولانا در دست نیست.» (همان: ۷۱۲ و ۷۱۳)

بدین ترتیب، تا به حال درباره‌ی وجود غزل‌های مشکوک در دیوان مولوی با دو نظر مواجه شدیم؛ اول آن‌که دیگران غزل‌هایی به تقلید از مولانا سروده، وارد دیوان کرده‌اند؛ دوم این‌که مولانا در طی مجالسش، شعرهایی از دیگران خوانده است که به نام او ثبت کرده‌اند؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که اشعاری از پیشینیان، معاصران و متأخران مولوی، وارد دیوان وی شده باشد.

اما ویلی نظر استاد مینوی را درباره‌ی این‌که تنها ثلث دیوان موجود از آن مولاناست، قبول ندارد و به ردّ این نظر می‌پردازد. ویلی ادعای مینوی را بی‌اساس می‌داند و دلایلی برای این نظر خود دارد. وی معتقد است نسخه‌هایی را که مینوی به عنوان نسخ معتبر، معرفی می‌کند - عد، قح، قو- به گروه نسخه‌های کوچک تعلق دارند

و در واقع گزیده‌ای از غزلیات هستند و نه تمامی آن؛ در حالی که نسخه‌های حجیم‌تری چون فذ و چت نسخه‌های کامل هستند. از طرف دیگر، ویلی معتقد است که بر اساس نظر مینوی، تقلید از شعر مولانا برای سلطان ولد و شمار بسیاری از پیروان دیگر مولانا، بسیار آسان بوده است؛ بنابر این فرض، وی یادآور می‌شود که سه احتمال درباره‌ی اشعار دخیل، وجود دارد: «نخست به فرض این‌که یک یا چند "نسخه‌ی اصل" دیوان در زمان زندگانی سراینده وجود داشته، شعرهای سلطان ولد و دیگران به آن افزوده شده، این کار یا با آگاهی و تأیید مولانا انجام شده یا در نهان و بدون آگاهی او. دوم این‌که "یک نسخه‌ی اصل" به احتمال، پس از مرگ مولانا فراهم شده که بیش‌تر مشتمل بر غزل‌های دیگران بوده؛ اما شعرهای بنیان‌گذار طریقه‌ی مولویه را هم در خود داشته است. سوم این‌که اگر نسخه‌ی اصلی وجود نداشته - و مدرکی در دست نیست که وجود داشته بوده - برای توجیه آن‌همه شعر بیگانه که در نسخه‌های موجود بسیار کهن وارد شده و شماره‌ی آن‌ها به سی تا چهل هزار بیت می‌رسد، به دشواری می‌توان بیش از یک توضیح یافت. به فرض این‌که شباهت میان مطالب نسخه‌ها کامل باشد، انسان باید بپندارد که نسخه‌نویسان گوناگون یا کسانی که نسخه‌نویسان به دستور آنان می‌نوشته‌اند، همگی بر آن بوده‌اند تا آن‌همه شعرهای بیگانه را بر شعرهای واقعی مولانا بیفزایند؛ یا این‌که برحسب تصادف، این کار را کرده‌اند که این فرض نامحتمل است.» (همان: ۷۱۹ و ۷۲۰)

ویلی تمام این مقدمات را می‌آورد که بگوید، هرچند شعر مولانا مورد تقلید شاعران بی‌شماری قرار گرفته، مولانا صدایی است بس متمایز و مشخص، نابغه‌ای است به سخنی تقلیدناپذیر و آن‌انکه از او تقلید کرده‌اند، گفته‌ی آن‌ها به صورتی هزل‌آمیز است، نه واقعی. بنابراین کسانی که از شعر پارسی، آگاهی درستی داشته باشند، غزلی از سلطان ولد را به اشتباه از آن مولانا نمی‌شمارند. سلطان ولد شاعر برجسته‌ی اندرزگر و یکی از شاعران کهن غزل‌سرا در قلمرو ترکی است؛ اما به تمامی از پدرش متمایزست. (همان: ۷۲۰ و ۷۲۱) نظر نهایی ویلی این است که: «سرانجام تفاوت کلی را که میان کهن‌ترین نسخه‌های خطی هست می‌توان به حالت ناتمامی و نقص بیش‌تر نسخه‌های باقیمانده‌ی پیشین نسبت داد که یا مجموعه‌ای از همه شعرهای در دسترس گردآورنده یا تک جلدهایی هستند مرکب از دیوان‌های کامل.» (همان: ۷۲۰ و ۷۲۱)

یکی از دلایل مهمی را که ویلی برای صحت اعتبار نسخه‌های حجیم بیان می‌دارد، ذیل معرفی نسخه‌ی «قص» آورده است. این نسخه که از حرف «را» تا «نون» را شامل می‌شود، در حال حاضر، قدیم‌ترین نسخه‌ی تاریخ‌دار است و همان‌گونه که پیش از این

نیز بیان شد، تاریخ آن، ۱۵ رجب ۷۰۳ هجری قمری است. (در این باره رجوع کنید به پی‌نوشت شماره‌ی ۴) وی درباره‌ی حجم غزلیات، در این قافیه‌ی محدود، چنین توضیح می‌دهد: «نسخه‌ی "قص" مشتمل بر ۱۰۷۳۷ بیت شعر است. در نسخه‌ی فروزانفر، غزل‌ها از قافیه‌ی ر تا نون، ۶۵۰ صفحه از کل ۲۱۱۰ صفحه را شامل شده است؛ به تقریب کم‌تر از یک سوم کل کتاب را. با استقراء از روی نسبت، انسان باید انتظار داشته باشد که سه جلد نسخه‌ی خطی گدیک احمد پاشا که بخش دوم آنرا ارائه می‌دهد، بیش از ۱۰۷۳۷×۳ بیت داشته باشد و روی هم، حدود ۳۵ هزار بیت باید تخمین مناسبی باشد.» (همان: ۷۲۸ و ۷۲۹)

از طرف دیگر، یکی از نسخه‌هایی که استاد مینوی آن را معتبر دانسته است و یکی از دلایل اعتبار آن را کم‌حجم بودن آن معرفی کرده، نسخه‌ی اسعد افندی (عد) است. ویلی درباره‌ی نقایص این نسخه به چند نکته اشاره می‌کند: اول آن‌که این نسخه تنها سه غزل با قافیه‌ی «ه» دارد و در قافیه‌ی «ی» نیز غزلی ندارد. او این فضای خالی را کمی بیش از یک چهارم دیوان می‌داند و حدس می‌زند که کل دیوان باید حدود ۱۳ هزار بیت داشته بوده باشد؛ به جای حدود ۱۰ هزار بیتی که در حال حاضر وجود دارد. (همان: ۷۳۰ و ۷۳۱)

باید گفت که مقاله‌ی ویلی از چند نظر اهمیت دارد: اول آن‌که او یکی از کسانی است که طرفدار اساس قراردادن نسخ پر حجم است؛ برخلاف بسیاری محققان. در این زمینه نیز دلایلی ارائه داده است که به اختصار، به بررسی آن پرداختیم؛ از طرف دیگر، مقاله‌ی ویلی از آن نظر که به معرفی بسیاری از نسخه‌های غزلیات که در دسترس استاد فروزانفر نبوده است پرداخته، اهمیت ویژه‌ای دارد و درخور ستایش است.

۲.۳. نکاتی درباره‌ی دیدگاه‌های مطرح شده

نکته‌ای که یادآوری آن در این جا حائز اهمیت می‌نماید، این است که سه نسخه‌ی معتبر عد، قح و قو، افتادگی‌هایی دارند. بنابر مقدمه‌ی فروزانفر، در نسخه‌ی عد «از حرف "ها" که در ورق ۲۴۲ شروع می‌شود، تنها سه غزل باقی مانده و بقیه از ورق ۲۴۳ افتاده و غزلیات حرف یا آغاز گردیده.» (مولوی، ۱۳۶۲: و) نسخه‌ی قو نیز چنین افتادگی‌ای دارد؛ در بحر هزج، چند ورقی افتاده است؛ «زیرا این وزن بر خلاف معمول، در حرف میم تمام می‌شود و وزن بعد هم از همان حرف آغاز می‌کند؛ در صورتی که در هریک از بحور، قوافی از حرف الف تا یا کتابت شده است.» اما وضعیت قح تا حدودی متفاوت

است. فروزانفر در وصف این نسخه آورده است که پس از آخرین بیت این نسخه، می‌خوانیم: «بقیه‌ی این بحر [بحر هزج] در دیوان دوم طلب دارند مطالعه‌کنندگان.» (همان: یا) و این مطلب ناظر بر این است که نسخه‌ی یادشده جلد دومی هم داشته است که در دسترس فروزانفر نبوده و احتمالاً به همین دلیل است که این نسخه پنج هزار بیت دارد و شاید اگر دفتر دوم آن نیز موجود بود، طبعاً تعداد ابیات آن بیش از این می‌شد؛ همانند دو نسخه‌ی قو و عد.

برای تصحیح دیوان بررسی‌های مقدماتی انجام شده است. نسخه‌ی قونیه و اسعد افندی از نظر تعداد غزل‌ها بررسی شده‌اند؛ اما متأسفانه هنوز نسخه‌ی قره حصار (قح) در دسترس نگارندگان قرارنگرفته است. در بررسی‌های انجام شده نکات چشم‌گیری به دست آمد که تا کنون از دید منتقدان پنهان مانده است.

نسخه‌ی اسعد افندی (عد) ۷۱۴ غزل دارد و تعداد غزل‌های نسخه‌ی قونیه (قو) ۸۴۴ است. تعداد کل غزل‌ها بر اساس چاپ استاد فروزانفر، ۳۲۲۹ است. همان‌طور که پیش از این ذکر شد، استاد مینوی معتقد است که بر اساس سه نسخه‌ی معتبر قو و قح و عد، دو ثلث غزل‌های موجود در دیوان استاد فروزانفر، در این سه نسخه نیست. ایشان در صحت اعتبار این غزل‌ها تردید کرده‌اند و در تأیید این نظر بر غزل‌هایی تأکید کرده‌اند که در ذیل آن‌ها نوشته شده است: این غزل را قو، قح و عد ندارد. این نظر وقتی می‌توانست درست باشد که دو نسخه‌ی قو و عد با هم هم‌پوشی داشته باشند یا به تعبیر دیگر، اشتراک‌های بسیاری داشته باشند. اما تنها ۱۹۹ غزل مشترک میان دو نسخه‌ی قو و عد وجود دارد؛ بر خلاف نظر استاد مینوی که تصور می‌کردند اگر این سه نسخه اساس کار قرار می‌گرفت، دو سوم غزل‌ها از دیوان خارج می‌شد؛ در حالی که این دو نسخه بر روی هم، ۱۳۵۹ غزل از کل ۳۲۲۹ غزل را دربرمی‌گیرد- که جمع غزل‌های همین دو نسخه نیز از ثلث دیوان مصحح فروزانفر بیش‌تر است - طبعاً اگر نسخه‌ی قره حصار (قح) را هم به این آمار اضافه کنیم، تعداد غزل‌های سه نسخه بر روی هم، بیش‌تر از عدد مذکور (۱۳۵۹) خواهد شد و شاید حتی به نصف تعداد کل غزل‌ها برسد؛ پس هرکدام از این نسخه‌ها به تنهایی دیوان کاملی نیستند و اشتباه استاد مینوی از این‌جا ناشی می‌شود که توجه ایشان به اشتراک نسخه‌ها در نداشته‌ها بوده است، نه در داشته‌ها.

۳. تصحیح استاد توفیق سبحانی و نقد آن

در سال ۱۳۸۶، به مناسبت هشتصدمین سال تولد مولانا، نسخه‌ی نفیس قونیه، مورّخ ۷۷۰ که اساس کار استاد فروزانفر بوده است، به اهتمام مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران به صورت عکسی، چاپ شد و جلد دومی به عنوان ضمیمه‌ی این کتاب، شامل مقدمه‌ی توفیق سبحانی درباره‌ی ویژگی‌های این نسخه، به همراه کشف‌الایات، منتشر گردید.

استاد توفیق سبحانی در همان سال - ۱۳۸۶-، تصحیحی بر اساس همین نسخه به همراه تعلیقات، فهرست و کشف‌الایات، منتشر ساخت. وی طی مقاله‌ای با عنوان «دیوان کبیر قونیه و کلیات شمس استاد فروزانفر»، پس از تمجید فراوان از زحمات آن استاد گرانقدر، یادآور می‌شود: «کاش مرحوم استاد بدیع‌الزمان زنده بود تا نگارنده به حضورش می‌رسید؛ یادداشت‌هایش را به ایشان عرضه می‌کرد؛ پاسخ آن بزرگ را می‌شنید و بازمی‌گشت. این نوشته فی‌الواقع پرسشی از روان آن استاد است که: استاد گرامی! شما که در مقدمه‌ی کلیات شمس تبریزی مرقوم فرموده‌اید: "چون این نسخه (یعنی نسخه‌ی قونیه یا نسخی «فذ») کامل‌ترین نسخه است و عده‌ی اشعار آن از همه بیش‌تر، آن را در استنساخ مبنای کار قرار دادیم..." (مقدمه کلیات شمس، جلد ۱، صفحه پنج) چرا این نسخه در مواردی با ضبط شما اختلاف آشکار دارد؟ چرا به همه‌ی اختلافات در پانوشت اشاره نفرموده‌اید؟ پرسش دیگری هم باقی است: چرا در تدوین شرح مثنوی شریف از بعضی از دوستان که ترکی می‌دانستند، استفاده کرده‌اید؛ اما در مورد واژه‌های ترکی کلیات شمس چنین کاری معمول نداشته‌اید؟ (سبحانی، ۱۳۸۶ الف: ۹۷) و پس از آن، ۹۳ مورد اختلافاتی را که نسخه‌ی قونیه با دیوان مصحح استاد فروزانفر دارد، بیان می‌کند.

۳.۱. نظر بهاء‌الدین خرمشاهی درباره‌ی دیوان مصحح توفیق سبحانی

درباره‌ی این تصحیح که بر اساس تک‌نسخه‌ی قونیه انجام شده است، تمجیدها و انتقادهایی به چشم می‌خورد. از جمله‌ی مهم‌ترین این تمجیدها، بیانات استاد خرمشاهی در مراسم رونمایی این کتاب است: «خرمشاهی تصحیح دیوان شمس توسط سبحانی را بهتر از فروزانفر دانست و عنوان کرد: ایشان نسخه‌ای را مبنا قرار داد که اساس نسخ یازده‌گانه‌ی فروزانفر هم بوده است و این نسخه ۹۶ تا ۹۸ سال بعد از فوت مولانا است. پس قدمت و کتابت این نسخه قابل توجه است. وی تصریح کرد: تصحیح توفیق سبحانی، یک‌نسخه‌ای است. نسخ جمع‌آوری شده توسط فروزانفر که استفاده از نسخه‌های یازده‌گانه بود، کامل نبود

و کامل‌ترین این نسخ همین است که سبحانی در تصحیح خود از آن استفاده کرده است. مرحوم فروزانفر به‌غیر از نسخه‌ی فرویدن نافذ، از ده نسخه دیگر نیز استفاده کرده که این کار باعث کامل‌تر شدن تصحیح نشده است؛ چراکه نقص، ممکن است در افزودنی هم باشد و مرحوم فروزانفر به گمان من هرچه جز نسخه فریدون نافذ را آورده، زلالی اثر را از بین برده است. خرمشاهی تصحیح سبحانی از دیوان کبیر مولانا را علی‌الاطلاق، بهترین چاپ کلیات دانست. (به نقلِ خبرگزاری فارس در تاریخ پنجم آذر ۱۳۸۶)

در نقد گفته‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، این اندازه کفایت می‌کند که بگوییم برخی از نسخ مرحوم فروزانفر از لحاظ اعتبار، مهم‌تر از نسخه‌ی قونیه‌ی ۷۷۰ «فد» بوده‌اند؛ هرچند از لحاظ حجم هم‌سنگ آن نباشند.

۳.۲. نقد مشتاق‌مهر بر دیوان مصحح توفیق سبحانی

رحمان مشتاق‌مهر طی سه مقاله با عنوان‌های «نگاهی به حواشی کلیات شمس بر اساس نسخه‌ی مورخ ۷۷۰ به تصحیح توفیق سبحانی» و «نگاهی دیگر به نسخه‌ی قونیه و تصحیح فروزانفر از کلیات شمس» و «تا تصحیح نهایی دیوان کبیر: نسخه‌ی قونیه یا تصحیح فروزانفر؟» به نقد و بررسی دیوان مصحح توفیق سبحانی پرداخته است.

در مقاله‌ی نخست، پس از بررسی مراحل چاپ این اثر، در پی مقایسه‌ی آن با کلیات شمس استاد فروزانفر برمی‌آید و می‌گوید: «این چاپ اگرچه مبتنی بر تک‌نسخه‌ی مورخ ۷۷۰ قونیه است، مصحح در حین کار، نسخه‌ی فروزانفر را نیز پیش چشم داشته و خواسته یا ناخواسته، بعضی از ضبط‌های آن را به جای ضبط نسخه‌ی اساس، وارد متن کرده است. به بعضی از این جایگزینی‌ها در پاورقی اشاره شده و بعضی از موارد فراموش شده نیز در اصلاحیه یادآوری شده است؛ ولی همچنان مواردی هست که متن منطبق با ضبط نسخه‌ی اساس نیست. البته چه بسا در این موارد، ضبط مختار فروزانفر بر ضبط نسخه‌ی قونیه ترجیح داشته و مصحح محترم نتوانسته ضبط نادرست را حفظ کند؛ اما مسأله این است که در چاپ متن بر اساس یک نسخه که اعتبار آن مسلم فرض شده است، درست‌تر آن است که تمام ویژگی‌های نسخه‌ی اساس در متن، حفظ شود و به ذکر ضبط نسخه‌های دیگر و بعضی از توضیحات لازم در حاشیه اکتفا شود.» (مشتاق‌مهر، ۱۳۸۸ الف: ۷۷)

این مسأله دقیقاً همان اشکالی است که توفیق سبحانی به فروزانفر وارد آورده است و ایشان را پای‌بند به نسخه‌ی اساس نمی‌داند. البته پرواضح است که تصحیح اثر پرحجمی چون غزلیات شمس آن هم بر اساس حجیم‌ترین نسخه، کار دشواری است.

استفاده‌ی استاد فروزانفر از نسخ دیگر با وجود اساس قرار دادن نسخه‌ی «فذ» به همین معناست که اعتماد کامل بر ضبط «فذ» وجود ندارد و از نسخ معتبر دیگر در تصحیح کمک گرفته شده است.

مشتاق‌مهر در مقاله‌ی دوم خود در صدد پاسخ به دو پرسشی که توفیق سبحانی از استاد فروزانفر کرده‌اند، بر آمده است.

در مورد پرسش اول که چرا نسخه‌ی «فذ» تماماً اعمال نشده است، پیش از این سخنانی گفته شد؛ همچنین روش کار استاد فروزانفر در مقدمه‌ی دیوان نیز روشن‌گر این مسأله خواهد بود.^۷

مشتاق‌مهر در پاسخ به پرسش دوم که «چرا به همه‌ی اختلافات در پانویست اشاره نفرموده‌اید؟» می‌گوید: «باید گفت که هیچ مصححی عملاً نمی‌تواند هر ضبط درست یا نادرستی را که در نسخه‌های مورد مراجعه‌ی او هست، به عنوان نسخه‌بدل قید کند؛ چون این کار نه تنها کمکی به خواننده نمی‌کند، بلکه ضبط‌های قابل توجه و تأمل را نیز در زیر خرواری از خطاهای خواسته یا ناخواسته‌ی کاتبان، پنهان می‌کند و امکان سنجش و گزینش را عملاً از خواننده سلب می‌کند.» (مشتاق‌مهر، ۱۳۸۸، اب، ۲۱۲)

این نظر - که نظر بعضی از محققان امروزی است - تا حدودی خدشه‌پذیر است. از دو دیدگاه می‌توان به نقد این نظر پرداخت: اولاً مصحح، به هر میزان عالم و آگاه به امر تصحیح و متن مورد نظر باشد، باز هم دانای کل نیست و ممکن است، نکاتی در نظر - ولو تیزبین و درآک - او به گونه‌ای دیگر جلوه کند که منظور نظر نویسنده یا شاعر اثر نبوده باشد؛ به همین دلیل با ارائه‌ی تمامی نسخه‌بدل‌ها به خوانندگان، نظر و دقت آنان را نیز به یاری می‌طلبند. ثانیاً نسخ خطی جدید، روزبه‌روز از گوشه و کنار این کره‌ی خاکی سر برمی‌آورند و با یافتن هر نسخه‌ی معتبر از اثری، تصحیح‌های پیشین، به بازبینی و تصحیح مجدد احتیاج پیدا می‌کنند. به همین دلیل اگر مصحح نخستین با وسواس و دقت فراوان، تمامی نسخه‌بدل‌ها را، در متن مصححش، در اختیار مصحح بعدی بگذارد، کار او را تا حدودی برای مراجعه به نسخ اساس خود آسان کرده است و آن اثر به خودی خود می‌تواند به عنوان یکی از نسخ مورد مراجعه‌ی محقق دوم تلقی شود.^۸ در این صورت، کار طاقت‌فرسای یافتن نسخ، آسان‌تر می‌گردد و راه بر مصحح دوم، هموارتر؛ تنها کافی است که نسخه یا نسخ تازه‌یافته را با متن مصحح پیشین مقابله کند؛ همانند کاری که استاد شفیعی کدکنی در تصحیح الهی‌نامه‌ی عطار انجام داده‌اند؛ چرا که پیش از ایشان، استاد ریتز، الهی‌نامه را بر اساس چهار نسخه تصحیح نموده‌اند

که تنها یک نسخه از میان آن‌ها در دست‌رس شفیع‌ی بوده است؛ بنابراین به واسطه‌ی نسخه‌بدل‌های استاد ریتر به سه نسخه‌ی دیگر دست یافته‌اند. (عطار، ۱۳۸۸: ۷۳-۸۷) پرواضح است که نسخه‌بدل‌ها، حتی اگر پر حجم و مغلوله^۹ باشند، به کار مصححان بعدی خواهند آمد. آن هم در شرایطی که از برخی نسخ مورد استفاده‌ی استاد فروزانفر در ایران - با کمال تأسف - نشانی نیست.^{۱۰}

۴. نکاتی درباره‌ی دیوان مصحح استاد فروزانفر

مشتاق‌مهر در نقد گفته‌ی توفیق سبحانی که معتقد است، استاد فروزانفر تنها از برخی نسخ در دست‌رسش، استفاده کرده، (سبحانی، ۱۳۸۶ الف: ۵۵) می‌گوید: «فروزانفر دقیقاً چهارده نسخه در اختیار داشته که سه تای آن‌ها متعلق به خودشان بوده است؛ از بقیه‌ی نسخه‌ها هم عکسی به دست آورده بودند. از میان آن‌ها، در حین تصحیح، از نسخه‌ی کتابخانه‌ی وین (با رمز «ین») یکی از نسخه‌های شخصی استاد که به قرن نهم تعلق داشته و دو نسخه‌ی شخصی دیگر که متعلق به قرن دهم بوده، به دلیل متأخر بودنشان استفاده نشده است؛ ولی ده نسخه‌ی دیگر که سه نسخه از آن‌ها از سده‌ی هفتم و بقیه از سده‌ی هشتم بوده، در حین تصحیح به طور کامل با هم مقابله شده و اختلاف‌های مهم نیز در حاشیه ضبط شده است؛ پس جمله‌ی «از برخی از آن‌ها استفاده کرده است» درباره‌ی ارزش کار استاد فروزانفر، حق مطلب را ادا نمی‌کند.» (مشتاق‌مهر، ۱۳۹۱: ۱۴۷ و ۱۴۸)

نگارندگان پس از بررسی برخی نسخ در دست‌رس استاد فروزانفر به نکاتی دست یافتند که مؤید این مطلب است که برخی از نسخ مورد استفاده‌ی ایشان در تصحیح به طور کامل، مقابله نشده است و متأسفانه به جای ذکر این مطلب در زیرنویس‌ها، مطالبی ذکر شده که گمراه‌کننده است.

نسخه‌ی نخجوانی که در فهرست‌های نسخ خطی به اهمیت و اعتبار آن اشاره شده، یکی از نسخ مورد استفاده‌ی استاد فروزانفر بوده است. پس از تهیه‌ی فهرست غزل‌های این نسخه معلوم شد که آن مشتمل بر ۸۳۴ غزل است. در بدایت امر به صورت تصادفی به غزل‌هایی برخوردیم که در نسخه‌ی نخجوانی بود؛ اما در زیرنویس استاد فروزانفر گفته شده بود که این غزل را: خیج ندارد. پس از شمارش دقیق مجلدات ۵ و ۶ و ۷ دیوان کبیر استاد فروزانفر و مقابله‌ی آن با نسخه‌ی نخجوانی دریافتیم که در زیرنویس ۳۹۷ غزلی که در نسخه‌ی نخجوانی موجود است، نوشته شده است: خیج

ندارد. یعنی تقریباً حدود نیمی از کل غزل‌های نسخه‌ی نخجوانی در مقابله لحاظ نشده است.

اشتباه‌هایی از این‌گونه و توجه نکردن به ضبط‌های بعضی از نسخ - تا جایی که غزلی در نسخه‌ای هست و در ذیل آن ذکر می‌شود «نیامده است» - تنها در مورد نسخه‌ی نخجوانی نیست؛ نمونه‌های فراوانی دارد که در این‌جا فقط به ذکر یک نمونه از آن‌ها پرداختیم.

این نکته در مورد نسخه‌ی (عل) که در ابتدای جلد چهارم دیوان کبیر معرفی شده نیز صادق است. این نسخه در تصحیح همان جلد به بعد، یعنی از قافیه‌ی «میم تای» اعمال شده است و غزل‌های قافیه‌ی «الف تا لام» با این نسخه مقابله نشده است؛ در صورتی که این نسخه بر اساس وزن تنظیم شده و تمامی حروف الفبا را دربرمی‌گیرد.^{۱۱} در ادامه به تصحیح ابیاتی از دیوان کبیر استاد فروزانفر خواهیم پرداخت:

در دیوان کبیر شاهد سهوهایی در ضبط بسیاری از ابیات هستیم. این سهوها گاه در ضبط کلمات و عبارات دیده می‌شود و گاه نیز غزل‌هایی در نسخ خطی وجود دارد که در دیوان مصحح استاد فروزانفر نیامده است. برای روشن‌تر شدن لزوم تصحیح دوباره‌ی دیوان کبیر به چند نمونه از این سهوها اشاره خواهیم کرد:

۱. این باد اندر هر سری سودای دیگر می‌پزد / سودای آن ساقی مرا باقی همه آن شما (مولوی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۲)

این غزل تنها در چهار نسخه‌ی قونیه (=قو)، قره‌حصار (=قح)، قونیه ۷۷۰ (فد) و چستریبیتی (=چت) آمده و در هر چهار نسخه، به جای واژه‌ی «باد» در مصرع اوّل «باده» آمده است. با توجه به معنای بیت و وجود کلمه‌ی «ساقی»، «باده» ترجیح دارد؛ هرچند در دیوان کبیر چاپی به ضبط نسخ توجهی نشده و به صورت «باد» آمده، نسخه‌بدلی هم برای آن ذکر نشده است.

۲. غزل ۲۴۸۲ (همان، ج ۵: ۲۲۰) در نسخه‌ی قونیه (=قو) آمده است؛ اما در زیرنویس دیوان چاپی گفته شده، «قو» غزل مذکور را ندارد. همچنین بیت آخر این غزل، چنین است:

یا تبریز شمس دین گرچه شدی تو همنشین / تا تو نلافی از هنر هان که قرابه نشکنی

در نسخی که غزل در آن‌ها آمده است - قو، قح، خج و فذ - «با» ضبط شده است و به نظر می‌رسد اشتباه چاپی باشد.

۳. نفسی فلک نیاید، دوهزار در گشاید چو امیر خاصِ اِقرأ به دعا گشاید آن لب
(همان، ج ۱: ۱۸۲)

ضبط این بیت در نسخه‌ی «قو» به همین صورت است؛ اما در نسخه‌ی «قح» و «فذ» به جای «نیاید»، «نیاید» ضبط شده است که با توجه به معنی بیت، درست‌تر به نظر می‌رسد. نه تنها ضبط «نیاید» در میان نسخه‌بدل‌ها نیست، بلکه در زیرنویس آمده که این غزل را - یعنی غزل ۳۰۱ که بیت مذکور سومین بیت آن است - «قح» ندارد. با توجه به ضبط «نیاید»، معنی بیت چنین می‌شود: وقتی که امیرِ خاصِ اِقرأ - پیامبر - لب به دعا می‌گشاید، فلک لحظه‌ای درنگ نمی‌کند و نمی‌پاید و دوهزار در به روی او می‌گشاید.

۴- سوی بحر رو چو ماهی که بیافت در شاهی چو بگوید او چه خواهی تو بگو الیک ارغب
(همان: ۱۸۲)

این غزل تنها در سه نسخه‌ی «قح»، «قو» و «فذ» آمده است که ضبط واژگان مشخص شده در مصراع دوم این بیت در سه نسخه‌ی مذکور به صورت «بگویدت» است و بر نگارندگان معلوم نشد که ضبط موجود در متن دیوان چاپی از کجا انتخاب شده است.

۵. به سخن مکوش کین فر، ز دلست نی زگفتن که هنر ز پای یابید و ز دم دید ثعلب
(همان: ۱۸۲)

در دیوان چاپی و نسخه‌ی «فذ» در مصراع دوم، واژه‌ی «دم» آمده است؛ اما «قح»، «قو» و «عد» به جای آن «دنب» آورده‌اند که فقط به ضبط «عد» در نسخه‌بدل‌ها اشاره شده است. به نظر می‌رسد با توجه به وزن بیت، «دنب» ترجیح داشته باشد.

۶. در دو غزل «۳۱۹» و «۲۲۷۳» نیز سهوهایی دیده می‌شود. غزل «۳۱۹» در جلد اوّل دیوان کبیر استاد فروزانفر آمده است و غزل «۲۲۷۳» در جلد پنجم. این دو غزل کاملاً یکسان است؛ اما در دو جای مختلف آمده است و هیچ اشاره‌ای به این تکرار هم نشده است. دلیل این سهو عدم توجه به قافیه‌ی این غزل است:

امسی و اصبح بالجوی اتعذبُ قلبی علی النار الهوی یتقلبُ
(مولوی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۹۳ و ج ۵: ۹۷)

که یک بار ذیل قافیه‌ی «ب» و یک بار ذیل قافیه‌ی «واو» آمده است. بدین دلیل در قافیه‌ی «واو» نیز ذکر شده است که در عربی ضمه به صورت مصوت بلند «او» تلفظ می‌شود.

۷. ای طالب دیدار او بنگر در این کوهسار او ای که چه باد خورده‌ای ما مست گشتیم از صدا (همان: ۱۲)

در این بیت نیز واژه‌ی «باد» در مصرع دوم، اشتباه ضبط شده است و در سه نسخه‌ای که حاوی این بیت است - قح، فذ و چت - این واژه، به وضوح «باده» است. ضبط دیوان چاپی هم از لحاظ وزنی و هم معنایی، در بیت خلل ایجاد کرده است.

۸. غزل ۲۶۴۴ در جلد ۶ دیوان کبیر چاپی آمده است. در زیرنویس این غزل آمده است که منبع آن، تنها نسخه‌ی نخجوانی است و بر اساس فهرستی که از مطلع غزل‌ها در نسخ تهیه کرده‌ایم، در ۱۰ نسخه‌ی مورد استفاده استاد فروزانفر، این غزل یافت نشد و همانطور که استاد فروزانفر در زیرنویس آورده بودند، این غزل فقط در نسخه‌ی نخجوانی آمده بود.

پس از مقابله‌ی این غزل با نسخه‌ی نخجوانی دریافتیم که دو بیت در دیوان چاپی استاد فروزانفر آمده است که آن دو در نخجوانی نیست:

یک روز مرا بر لب خود میر نکردی	وز لعل لب‌ت جامگی تقریر نکردی
۲ زان شب که سر زلف تو در خواب بدیدم	حیران و پریشانم و تعبیر نکردی
یک عالم و عاقل به جهان نیست که او را	دیوانه آن زلف چو زنجیر نکردی
۴ بگریست بسی از غم تو طفل دو چشمم	وز سنگدلی در دهنش شیر نکردی
در کعبه‌ی خوبی تو احرام ببستیم	بس تلییه گفتیم و تو تکبیر نکردی
۶ بگرفت دلم در غمت ای سرو جوان بخت	شد پیر دلم پیروی پیر نکردی
با قوس دو ابروی تو یک دل به جهان نیست	تا خسته بدان غمزه‌ی چون تیر نکردی
۸ بس عقل که در آیت حسن تو فروماند	وز وی به کرم روزی تفسیر نکردی
در بردن جان‌ها و در آزردن جان‌ها	الحق صنما هیچ تو تقصیر نکردی
۱۰ در کشتنم ای دلبر خونخوار بکردم	صد لابه و یک ساعت تأخیر نکردی
در آتش عشق تو دلم سوخت به یک بار	وز بهر دوا قرص تاباشیر نکردی
۱۲ بیمار شدم از غم هجر تو و روزی	از بهر من خسته تو تدبیر نکردی
خورشید رخت با زحل زلف سیاهت	صد بار قران کرد و تو تاثیر نکردی

۱۴ بر خاک درت روی نهادم ز سر عجز وز قصه هجرانم تحریر نکردی
 خامش شوم و هیچ نگویم پس از این من هر چاکر دیرینه چو توفیر نکردی
 (مولوی، ۱۳۶۳: ج ۶، ۱۹)

در نسخه‌ی نخجوانی، تعداد ابیات این غزل ۱۳ است (مولوی، نسخه‌ی نخجوانی، ص ۱۷۰)؛ اما در نسخه‌ی چاپی دیوان کبیر ۱۵ بیت دارد (دو بیتی که در متن غزل زیر آن‌ها خط کشیده شده، ابیاتی اضافی است که در نخجوانی نیامده است). همان‌طور که گفته شد، در دیگر نسخ مورد استفاده‌ی استاد فروزانفر، این غزل نیامده بود. پس از مشاهده‌ی دو بیت اضافی، این سؤال مطرح می‌شود که این دو بیت از کجا آمده است. در مقدمه جزو اول دیوان کبیر استاد فروزانفر، ۳ نسخه‌ی متعلق به نگارنده (= استاد فروزانفر) معرفی شده است و در پایان، یادآوری شده: «سه نسخه‌ی اخیر، مرتب است به حسب حروف قوافی از «الف» تا «یا» و به سبب تازگی و احتمال تصرف، هیچ‌یک را در مقابله‌ی دیوان معتبر نشمردیم؛ مگر گاهی به جهت قرائت کلمات محوشده (که خواندنش دشوار می‌نمود)، در نسخ عکسی از این‌ها استفاده کردیم.» (مولوی، ۱۳۶۳: ید) اما متأسفانه در این غزل، استاد فروزانفر بدون توجه به ضبط نسخه‌ی نخجوانی، غزل را بر اساس نسخه‌ی ملکی خود نقل کرده است؛ اگرچه غزل در نسخه‌ی نخجوانی بسامان‌تر از ضبط دیوان چاپی است. استاد به نسخه‌ی ملکی خود در زیرنویس این غزل هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند و تنها منبع آن را نخجوانی می‌دانند؛ به گونه‌ای که خواننده تصور می‌کند ضبط غزل در دیوان چاپی، متعلق به نسخه‌ی نخجوانی است.

ضبط برخی ابیات بر اساس نسخه‌ی نخجوانی، چنین است:

- ترتیب قرارگرفتن ابیات در نسخه‌ی نخجوانی، به گونه‌ای دیگر است. در نسخه‌ی نخجوانی بعد از بیت ۴، بیت ۷ آمده است و بیت ۵ بعد از بیت ۸.
 - در بیت ۵ به جای «بس تلبیه گفتیم و»، «شب تا به سحر لیک» آمده است.
 - در بیت ۹ به جای «در بردن جان‌ها و در آزردهن جان‌ها»، «در بردن جان‌ها و برآزردهن دل‌ها» آمده است.

- در بیت ۱۰ به وضوح کلمه‌ی نخست «درکشتیم» است نه «درکشتنم».

- در بیت ۱۱ به جای «در آتش عشق تو دلم سوخت»، «در آتش هجر تو دلم سوخت» آمده است و در مصرع دوم به جای «قرص تباشیر»، «قرض طباشیر» آمده است.

- مصراع دوم بیت ۱۵ در دیوان چاپی نامفهوم است؛ اما ضبط نخجوانی ترجیح دارد و معنای بیت را مشخص می‌کند: «بر چاکر دیرینه چو توقیر نکردی» یعنی برای چاکر دیرینه‌ات احترامی قایل نشدی.

۵. نتیجه‌گیری

پس از قدرشناسی دوباره از آثار مصحح استاد بدیع‌الزمان فروزانفر و توفیق سبحانی که در این راه کران‌ناپدید، قدم و قلم زده‌اند و راه را بر محققان بعدی هموار نموده‌اند، دلایل لزوم تصحیح مجدد غزلیات شمس به اجمال، مطرح می‌شود تا اهمیت این مسأله آشکارتر گردد:

۱. پیدا شدن نسخه‌های جدیدی که در دسترس استاد فروزانفر نبوده است، مبین این مسأله است که تصحیح دوباره‌ای از دیوان ضروری است.
 ۲. ابیات و غزل‌های تکراری که در غزلیات شمس به کرات به چشم می‌خورد و باید دیوان را از وجود این ابیات خالی نمود.
 ۳. غزل‌هایی که از دیگران وارد دیوان کبیر شده است و صحت انتسابشان به شاعران دیگر مسلم است، باید از دیوان خارج شود. از آنجایی که بسیاری از غزل‌ها با طرز گفتار و اندیشه‌ی مولانا هماهنگی ندارد، این اشعار نیز باید مورد بازبینی قرار گیرند؛ همان‌گونه که خود استاد فروزانفر درباره‌ی داخل شدن اشعار دیگران به دیوان کبیر، نکاتی را متذکر شده‌اند. (فروزانفر، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۵۳)
 ۴. نگارندگان برآنند که با بهره‌گیری از امکانات روز و نسخ جدید و مقابله‌ی دقیق ابیات با استاد به نسخ معتبر و قدیمی، به تصحیح علمی و انتقادی پردازند.
 ۵. دیوان مصحح توفیق سبحانی نیز همچنان‌که در مقاله به نقد آن پرداختیم، تصحیح نهایی دیوان کبیر نیست؛ چرا که اساس کار ایشان تنها نسخه‌ی «فد» بوده است و به نسخ دیگر دیوان کبیر نپرداخته‌اند.
- با توجه به مقابله برخی از ابیات و غزل‌ها که در بخش پایانی مقاله ملاحظه شد ضبط غزلها و ابیات با نسخه‌های ذکر شده در بسیاری از موارد همخوانی ندارد و لزوم تصحیح دوباره‌ی غزلیات شمس، اثر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی آشکاراست.

یادداشت‌ها

۱. اکثر نسخه‌های استاد فروزانفر در میان میکروفیلم‌های دانشگاه تهران موجود است؛ اما متأسفانه نه نگارندگان و نه کارمندان بخش نسخ خطی دانشگاه تهران، نسخه‌ی اسعد افندی «عد» و همچنین نسخه‌ی کتابخانه‌ی گدک احمدپاشا «قح» را در میان این میکروفیلم‌ها نیافتند؛ اما نگارندگان با راهنمایی استاد توفیق سبحانی با آقای عنایت‌الله مجیدی، رئیس کتابخانه مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، آشنا شدند و به بررسی نسخ موجود در این کتابخانه پرداختند. بالاخره این دو نسخه در جلد دوم از فهرست نسخه‌های عکسی این کتابخانه یافت شد. نسخه‌ی اسعد افندی با همین مشخصات در اختیارمان قرار گرفت؛ اما نسخه‌ای با مشخصات نسخه‌ی «قح» به شماره‌ی ۴۱۵ در این فهرست معرفی شده است که در مقابل اصل نسخه، علامت سؤال قرار داده شده است؛ زیرا از آن اطلاعی در دست نداشته‌اند. (منزوی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۲۹) از آن‌جا که مشخصات مندرج در فهرست با مشخصات نسخه‌ی «قح» در مقدمه‌ی استاد فروزانفر مطابقت دارد، می‌توان اطمینان حاصل کرد که این نسخه دقیقاً همان نسخه‌ی کتابخانه‌ی گدک احمد پاشا واقع در قره حصار است؛ اما متأسفانه با وجود تلاش بسیار آقای مجیدی و کارمندان آن کتابخانه، این نسخه‌ی عکسی در گنجینه‌ی نسخ یافت نشد و اسکن آن نیز موجود نبود! و استفاده‌ی مجلد از آن مستلزم دست‌یابی به اصل نسخه در افیون قره‌حصار ترکیه خواهد بود.

۲. استاد فروزانفر در مقدمه‌ی جلد اول کلیات شمس درباره‌ی اعتبار این نسخه به صفحه‌ی ۶۴۵ این نسخه ارجاع داده‌اند و نوشته‌اند: «کاتب در کناره‌ی صفحه نوشته است: از دست‌خط خداوندگار نقل کرده شد. صحت و دقت شگفتی که در شکل و اثبات حرکت و سکون کلمات به کار رفته و احیاناً موافق نصوص لغت و خلاف استعمال متداول است، دلیل تواند بود که مستنسخ آن‌ها را از روی نسخ اصل که بر مولانا و یاران وی قرائت شده، نقل کرده است.» (مولوی، ۱۳۶۳، ج ۱: ح) همه‌ی این دلایل و تأیید استاد مینوی که در مقدمه‌ی کلیات شمس بدان اشاره شده است، دلیلی بر اعتبار این نسخه و انتساب آن به قرن هفتم دانسته شده است. اما توجه به چند نکته درباره‌ی صفحه‌ی ۶۴۵ تردیدی نسبت به اعتبار این دلیل به وجود می‌آورد: در این صفحه از نسخه فقط یک غزل و دو رباعی آمده است. در برگ پیشین نیز شیوه‌ی کتابت با بقیه‌ی نسخه متفاوت است. در صفحه‌ی ۶۴۰ در پایان آخرین غزل نوشته شده است: «تمت بعون الله و حسن توفیقه» یعنی غزلیات در این برگ به پایان رسیده است و مشوش بودن دو برگ بعدی حاکی از همین مطلب است؛ یعنی پس از اتمام غزل‌ها دو برگ دیگر بدان‌ها افزوده شده است و یکی از آن‌ها همان برگ مذکور است که در آن، عبارت «از دست‌خط خداوندگار نقل کرده شد» آمده است و آن را دلیلی برای اعتبار این نسخه دانسته‌اند. اما در بررسی این صفحه، نکات دیگری نیز وجود دارد: اول آن‌که در کل این برگ، قسمت

سمت راست برگ، سفید است و در قسمت سمت چپ هم فقط ابیاتی در انتهای صفحه نوشته شده است؛ دومین نکته که بسیار حائز اهمیت است و مصحح بدان اشاره‌ای نکرده، آن است که غزل موجود در این برگ، از مولانا نیست؛ بلکه از سلطان ولد است و در صفحه‌ی ۹۰ دیوان سلطان ولد آمده است. (سلطان ولد، ۱۳۳۸: ۹۰)

۳. به یادداشتِ پیشین رجوع کنید.

۴. استاد فروزانفر تاریخ این نسخه را درست نخوانده‌اند؛ از آنجایی که این نسخه به رؤیت نگارندگان رسید، این عدد به صورت ک («یک» بدون نقطه و سرکش) نوشته شده است. در پایان ترقیمه نیز به صورت ریز و بدون نقطه نوشته شده است: «سنه ثلثین و سبع ماه» که خط آن بسیار ریزتر از خط ترقیمه است؛ هم‌چنین عدد ۷۳۰ (به صورت عددی) نیز در زیر این عبارت نوشته شده است. اما به نظر می‌رسد عدد موجود در ترقیمه (که شبیه «یک» بدون سرکش و نقطه است) «ثلث» باشد و یادداشت ریز زیر ترقیمه، نوشته‌ی شخصی غیر از کاتب باشد؛ بنابراین تاریخ درست این نسخه ۷۰۳ است. هم‌چنین این نسخه در مقدمه‌ی جلد اول فروزانفر با رمز «قح» معرفی شده است، اما از آنجایی که این نسخه از حرفِ راء وارد تصحیح دیوان می‌شود، در مقدمه‌ی جلد دوم توضیح داده شده است که رمز آن از این پس «قص» خواهد بود. نگارندگان درباره‌ی ترقیمه‌ی این نسخه در مقاله‌ای دیگر به تفصیل سخن گفته‌اند و دلایل علمی مستندی دال بر این که تاریخ درست این نسخه ۷۰۳ است، برشمرده‌اند.

۵. ناگفته نماند که امروزه نیز دست‌رسی به نسخ خطی، چه در داخل کشور و چه خارج از آن با دشواری‌هایی روبه‌روست، هرچند ممکن است آگاهی یافتن از یک نسخه و محل نگه‌داری آن، آسان‌تر شده باشد.

۶. در نسخ خطی غزلیات شمس، معمولاً ترتیب غزل‌ها بر اساس بحور است. بدین صورت که غزل‌هایی که در یک بحر آمده است، از الف تا یا مرتب می‌شود.

۷. به منظور کسب اطلاعاتِ بیش‌تر درباره‌ی پاسخ این پرسش، رجوع کنید به مقاله‌ی مشتاق‌مهر، ۱۳۸۸، ب، ۲۱۱.

۸. هرچند باز هم ممکن است در مواردی رجوع به اصل نسخه برای بازخوانی کلماتی، ضروری باشد.

۹. مقصود از «مغلوط» ضبط اشتباه از جانب مصحح نیست؛ بلکه ضبط اشتباه برخی نسخ از جانب کاتبان است که می‌تواند دلایل بسیاری داشته باشد.

۱۰. همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، مقصود نسخه‌ی قره‌حصار یعنی «قح» است.

۱۱. نسخ دیوان کبیر به دو شیوه‌ی «الفبایی» و «وزنی» تنظیم شده است. در شیوه‌ی الفبایی، غزل‌ها بر اساس روی قافیه از الف تا یا مرتب شده‌اند. در شیوه‌ی وزنی، غزل‌ها بر اساس بحر، تنظیم شده‌اند؛ یعنی غزل‌های هم وزن از الف تا یا کنار یک‌دیگر قرار گرفته‌اند.

فهرست منابع

- آتابای، بدری. (۲۵۳۵، معادل ۱۳۵۵). فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه‌ی سلطنتی. تهران: زیبا.
- افشار، ایرج و هانس روبرت، رویمر. (۱۳۷۶). سخنواره: پنجاه و پنج گفتار پژوهشی به یاد پرویز ناتل خانلری، تهران: توس.
- دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). ویراستاری مجتبی درایتی، تهران: کتابخانه‌ی موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دهباشی، علی. (۱۳۸۴). تحفه‌های آن جهانی. تهران: سخن.
- دین لوئیس، فرانکلین. (۱۳۸۵). مولانا دیروز تا امروز، شرق تا غرب. ترجمه‌ی حسن لاهوتی، تهران: نشر نامک.
- سبحانی، توفیق هـ. (۱۳۷۳). فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ . (۱۳۸۶ الف). «دیوان کبیر قونیه و کلیات شمس استاد فروزانفر». /دب‌پژوهی، سال ۱، شماره‌ی ۲، صص ۹۵-۱۱۵.
- _____ . (۱۳۸۶ ب). «ما مات تویم شمس تبریز». گفت‌وگو با توفیق سبحانی، کتاب ماه ادبیات، سال ۱، شماره‌ی ۶ پیاپی، صص ۹-۵.
- سلطان ولد. (۱۳۳۸). دیوان سلطان ولد با مقدمه‌ی سعید نفیسی. تهران: کتابفروشی رودکی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). گزیده‌ی غزلیات شمس. تهران: علمی فرهنگی.
- _____ . (۱۳۸۷). غزلیات شمس. مقدمه، گزینش و تفسیر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- صدیق بهزادی، ماندانا. (۱۳۵۱). کتاب‌نامه‌ی مولوی. تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، مرکز خدمات کتابداری.
- عطار، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۸). الهی‌نامه. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

۱۸۶ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۶، شماره‌ی ۲، تابستان ۹۳ (پیاپی ۲۰)

فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۹۰). رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، مشهور به مولوی. تهران: زوآر.

_____ . (۱۳۸۷). احادیث و قصص مثنوی. ترجمه‌ی کامل و تنظیم مجدد حسین داودی، تهران: امیرکبیر.

مجاهد، احمد. (۱۳۸۵). «کلیات غزلیات شمس تبریزی (مورخ ۹۶۵۴ق)». نامه‌ی بهارستان، سال ۶، شماره‌ی ۱ و ۲، صص ۳۷۴-۳۷۶.

مشتاق‌مهر، رحمان. (۱۳۸۸ الف). «نگاهی به حواشی کلیات شمس بر اساس نسخه‌ی مورخ ۷۷۰ به تصحیح توفیق سبحانی». کتاب ماه ادبیات، سال ۲، شماره‌ی ۲۶، ۷۶-۹۱.

_____ . (۱۳۸۸ ب). «نگاهی دیگر به نسخه‌ی قونیه و تصحیح فروزانفر از کلیات شمس». ادب پژوهی، سال ۲، شماره‌ی ۸ و ۷، صص ۲۳۰-۲۰۷.

_____ . (۱۳۹۱). «تا تصحیح نهایی دیوان کبیر: نسخه‌ی قونیه یا تصحیح فروزانفر؟». دوفصل‌نامه‌ی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، سال ۳، شماره‌ی ۶، صص ۱۷۹-۱۴۳.

منزوی، احمد. (۱۳۴۸). فهرست نسخه‌های خطی فارسی. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی منطقه‌ای.

مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۳). کلیات شمس یا دیوان کبیر. ۱۰ جلد، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.

_____ . (۱۳۸۶ الف). دیوان کبیر، کلیات شمس تبریزی (چاپ عکسی از روی نسخه خطی موزه‌ی مولانا در قونیه). به اهتمام توفیق هـ سبحانی، تهران: مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران.

_____ . (۱۳۸۶ ب). دیوان کبیر، کلیات شمس تبریزی (نسخه‌ی قونیه).

۲ جلد، توضیحات، فهرست و کشف‌الابیات و تصحیح توفیق هـ سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

_____ . (۱۳۸۴). فیه ما فیه. تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.

_____ . (۱۳۷۴). دیوان شمس تبریزی. به کوشش منصور مشفق، با مقدمه‌ی جلال‌الدین همایی، تهران: صفی‌علیشاه.

مینوی، مجتبی. (۱۳۸۱). «لزوم اهتمام در چاپ کردن کتاب مولانا به طریق تصحیح انتقادی». مجله‌ی آینه‌ی میراث، سال ۵، شماره‌ی ۱، صص ۸۸-۹۳.

<http://www.farsnews.com>